

خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟-۵

پناهیان: هدایت نه تنها با اجبار نیست، بلکه با اشاره و امهال است/ هدایت، یک جریان مستمر و فزاینده است نه یک جریان مقطعی/ طبق آیه قرآن؛ زیاد نشدن هدایت، نشانه نپذیرفتن هدایت است/ اگر مذهبی‌ها دنبال ازدیاد هدایت نباشند به «آدم مذهبی بد» تبدیل خواهند شد/ اگر مشغول تمنای ازدیاد هدایت نباشیم، دچار ازدیاد ضلالت و گمراهی خواهیم شد

پناهیان: اگر در جامعه اسلامی ما، مذهبی‌ها و حزب‌اللهی‌ها دنبال ازدیاد هدایت نباشند، بوی تعفن عجب از آنها به مشام خواهد رسید و به جای دیدن تواضع، در آنها تکبر دیده می‌شود. چون کسی متواضع خواهد شد که محتاج باشد و احساس نیاز داشته باشد. کسی که تمنای ازدیاد هدایت دارد، محتاج خواهد بود و کسی که خودش را محتاج نداند، متواضع نخواهد شد.

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت ماه مبارک رمضان ۳۰ شب در مصلی بزرگ امام خمینی با موضوع **«خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟»** سخنرانی می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **جلسه پنجم** را می‌خوانید:

کسانی که می‌گویند نباید کسی را به زور به سمت بهشت بُرد، باید تأکید کنند که نباید کسی را هم به زور به سمت جهنم بُرد

- هدایت سرشار از احترام به انسان است. یکی از وجوه این احترام این است که هدایت اجباری نیست و کسی را با اکراه به سمت بهشت نمی‌برند. کسانی که فکر می‌کنند برای انسان احترام قائل هستند و می‌گویند نباید انسان‌ها را به زور به سمت بهشت بُرد، یقیناً آنها از زور و اکراه بدشان می‌آید، پس باید به مراتب تأکید کنند که نباید کسی را هم به زور به سمت جهنم بُرد، نباید کسی را با اغواگری به سمت پلیدی‌ها کشاند و باید زبان اغواگران و فریب‌کاران را قطع کرد و این کاری است که امام زمان(ع) در حد کاملش انجام خواهد داد، چون این اغواگران و فریب‌کاران در واقع مردم را به زور به سمت جهنم می‌برند.
- هدایت نه تنها با اجبار نیست، بلکه با اشاره و امهال(مهلت دادن) است و همه این وجوه هدایت، به خاطر رعایت احترام و کرامت انسان است.

هدایت، یک جریان مستمر است نه یک جریان مقطعی / برای روشن ماندن چراغ، باید جریان برق دائماً وصل باشد

- ویژگی مهم دیگری که در تعریف هدایت وجود دارد این است که هدایت یک جریان مستمر است نه یک جریان مقطعی، یعنی ما همیشه نیاز به هدایت داریم و این طور نیست که یک بار هدایت شویم و بعد این جریان هدایت قطع شود. امیرالمؤمنین(ع) درباره معنای **«لَهُدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»** فرمودند: یعنی توفیق را برای ما ادامه بده و مهلت هدایت را برای ما ادامه بده؛ **أَدِمِ لَنَا تَوْفِيقَكَ الَّذِي بِهِ أَطَعْنَاكَ فِي مَاضِي أَيْمَانًا حَتَّى نَطِيعَكَ كَذَلِكَ فِي مُسْتَقْبَلِ أَعْمَارِنَا** (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) / ص ۴۴)
- یکی از علما می‌فرمود: هدایت مثل جریان برق است. وقتی جایی با جریان برق روشن شد، نمی‌شود گفت: «خُب دیگر، روشن شد و دیگر نیاز به برق نیست، می‌توانید آن را قطع کنید!» جریان برق باید دائماً وصل باشد تا روشنایی چراغ تداوم داشته باشد.

هدایت در هر لحظه‌ای که قطع شود، انسان سقوط خواهد کرد

- خیلی‌ها فکر می‌کنند هدایت یعنی اینکه من معتقد شوم، و همین که معتقد شدم، دیگر کافی است! این یکی از مکاید ابلیس است که به انسان القاء می‌کند که **«الحمدلله، تو هدایت شدی و کار تو درست شد! دیگر می‌توانی بروی و راحت باشی!»** در حالی که

هدایت یک جریان مستمر است و هر لحظه‌ای که قطع شود، انسان سقوط خواهد کرد. اگر دیروز هدایت شدی، امروز هم دوباره نیاز به هدایت داری. هدایت در مقام تشبیه، مثل نفس کشیدن است که انسان هر لحظه به آن نیاز دارد.

- هر دفعه‌ای که در نماز می‌گویید: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» نباید «اهدنا» را به معنای آغاز هدایت خودتان در نظر بگیرید، و بعد تصور کنید که نیازی نیست هر روز این هدایت را از خداوند تقاضا کنیم. باید «اهدنا» را به معنای ادامه توفیق، در نظر بگیریم. این احساس باید در معنای هدایت، در ما ایجاد شود و اگر این احساس در ما ایجاد شود، هم تواضع ما بالا می‌رود و هم تمنای ما در خانه خدا زیاد می‌شود.

هدایت هم باید مستمر باشد و هم باید افزایش پیدا کند / طبق آیه قرآن، زیاد نشدن هدایت، نشانه پذیرفتن هدایت است

- بعد از استمرار، یک مسأله دیگری هم درباره هدایت وجود دارد که معنای هدایت را برای ما تکمیل می‌کند و آن اینکه «هدایت باید افزایش پیدا کند». این یک بدبختی بزرگ است که انسان وقتی هدایت شد، احساس کند دیگر نیاز به هدایت و نیاز به افزایش هدایت ندارد. خداوند متعال در قرآن کریم، بحث افزایش هدایت را بیشتر از ادامه هدایت تصریح فرموده است.
- خداوند درباره اصحاب کهف می‌فرماید: «اینها جوانانی بودند که ایمان آوردند (که ایمان‌شان ناشی از هدایت ما بود) و ما هدایت آنها را اضافه کردیم؛ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف/۱۳) همچنین می‌فرماید: «خدا هدایت کسی را که هدایت پذیرد، اضافه می‌کند؛ وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى» (مریم/۷۶) همچنین می‌فرماید: «هر کسی از ما هدایت پذیرد، ما هدایتش را اضافه می‌کنیم، وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد/۱۷) معلوم می‌شود ما هدایت پذیرفته‌ایم که هدایت‌مان اضافه نمی‌شود، یعنی اصلاً شروع نکرده‌ایم و تازه داریم به این فکر می‌کنیم که حرکت را آغاز کنیم یا نه! کسانی که ازدیاد هدایت نمی‌خواهند، در واقع دارند درجا می‌زنند.

انسان نیاز به ازدیاد دارد / اگر برای ازدیاد هدایت غصه نخورید، سراغ ازدیاد مادیات و حب‌الدنیا خواهید رفت / هر روز یا هدایت انسان اضافه می‌شود یا ضاللتش

- کاری کنید که حق گریه شما در مناجات‌تان برای ازدیاد هدایت باشد. یعنی برای ازدیاد هدایت، دل‌تان بگیرد و غصه در دل‌تان جمع شود. بروید در خانه خدا ضجه بزنید و بگویید: «خدایا! ما از اینکه در این حد باقی مانده‌ایم، ناراحت هستیم» ازدیاد هدایت، دسر غذای دین نیست، بلکه روند طبیعی جریان هدایت است. در واقع معنای دقیق «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» است، همان تداوم هدایت است.
- اگر هدایت انسان اضافه نشود و تعلقش به پروردگار اضافه نشود و در معنویات رشد نکند، به دنبال این می‌رود که در مادیات رشد کند و در مادیات هم محدودیت‌ها فراوان است و رشد چندانی وجود ندارد، و این باعث می‌شود اخلاق انسان خراب شود. روحیات فاسد، از همین‌جا نشأت می‌گیرد. این انسان باید یک چیزی را اضافه می‌کرد، ولی اشتباهاً می‌خواهد یک چیز دیگری را اضافه کند. شما اگر دنبال ازدیاد هدایت و معنویت و نورانیت نباشید، به این مشکل دچار خواهید شد.
- هدایت، خروج از ظلمت به سوی نور است و این یک جریان مستمر است. اگر انسان در نورانی‌ترین وضعیت هم قرار داشته باشد، باید آن را ظلمت بداند و باز به سمت نورانیت بیشتر حرکت کند. و اگر کسی متوقف شود، به جای اینکه هدایت و نورانیت

خودش را اضافه کند، حبّ مقام و حبّ الدنیای خودش را اضافه می کند و روز به روز فاسدتر می شود. یا هدایت اضافه می شود و یا ضلالت و گمراهی اضافه می شود. امام صادق(ع) فرماید: «اگر کسی دو روزش مساوی باشد، ضرر کرده است و اگر روز دوم پایین تر از روز اول باشد، ملعون است؛ مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَعْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ» (امالی صدوق/۶۶۸)

اگر مذهبی ها دنبال ازدیاد هدایت نباشند به «آدم مذهبی بد» تبدیل خواهند شد و دچار عجب می شوند / اگر مشغول تمنای ازدیاد هدایت نباشیم، دچار ازدیاد ضلالت و گمراهی خواهیم شد

- اگر دنبال این نباشیم که هدایت و نورانیت خود را اضافه کنیم، اتفاق بسیار بدی می افتد و آن اینکه «آدم مذهبی بد» درست خواهد شد؛ یعنی کسی که ظاهرش مذهبی است و باطنش خبیث است. اینها بدتر از کافران هستند که نهایتش هم «نفاق» می شود. اینها دچار کفر بعد از ایمان می شوند و به افراد بسیار رذل و پلیدی تبدیل خواهند شد. قاتلان امام حسین(ع) این گونه بودند.
- اگر در جامعه اسلامی ما، مذهبی ها و حزب اللهی ها دنبال ازدیاد هدایت نباشند، بوی تعفن عجب از آنها به مشام خواهد رسید و به جای دیدن تواضع، در آنها تکبر دیده می شود. چون کسی متواضع خواهد شد که محتاج باشد و احساس نیاز داشته باشد. کسی که تمنای ازدیاد هدایت دارد، محتاج خواهد بود و کسی که خودش را محتاج نداند، متواضع نخواهد شد.
- کسی فکر نکند که وقتی مسلمان و مؤمن شد، مثل این است که یک قرارداد ثابت بسته است و بعد می تواند با خیال راحت، بنشیند و دیگر حرکت نکند و در همان وضعیت باقی بماند. **اگر مشغول تمنای ازدیاد هدایت نباشیم، دچار ازدیاد ضلالت و گمراهی خواهیم شد.** کسی که مشغول ازدیاد ایمان خودش نباشد یا مشغول تداوم و ازدیاد هدایت نشود، طبیعتاً مشغول ازدیاد مادیات (حب دنیا) خواهد شد و به جای اینکه هدایتش اضافه شود، ضلالتش اضافه خواهد شد.
- کسی که هدایت را پذیرفته است، آن قدر اسیر دوام هدایت و افزایش هدایت می شود که دیگر مشغول چیز دیگری نخواهد بود بلکه مدام مشغول افزایش هدایت خودش خواهد بود. خدا، هم به انسان روزی می دهد و هم به او هدایت می دهد ولی این شخص، دیگر به روزی دادن خدا کاری ندارد بلکه فقط به هدایت خدا کار دارد. اما کسی که مشغول هدایت نیست، مدام به رزق و روزی اش گیر می دهد که «خدایا! چرا فلان چیز را به من نمی دهی؟ چرا فلان چیز، کم است؟» یعنی مدام سر کم و زیاد شدن رزق و روزی، با خدا چانه می زند. خداوند هم می گوید: «او برای گرفتن هدایت از من هیچ تقاضایی نمی کند و چانه ای نمی زند، اما همین که بر اساس یک مصلحتی، یک مقدار روزیش را کنترل می کنم، چانه می زند و اخلاقتش به هم می ریزد!»
- باید ببینیم که چقدر از بابت ازدیاد هدایت خودمان، غصه می خوریم و چقدر تمنای ازدیاد هدایت داریم؟ خداوند از بندگانی که تمنای ازدیاد هدایت ندارند، گله می کند که «ما هدایت او را اضافه نمی کنیم و او غصه نمی خورد!»

